

# ملاحظات مشترک جمهوری اسلامی ایران و روسیه

## پس از شکل‌گیری محور استراتژیک

### ترکیه و اسرائیل

سخاوت رضازاده\*

پس از فروپاشی شوروی همکاری‌های جمهوری اسلامی ایران و روسیه تحت تأثیر عوامل مختلف داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی توسعه چشمگیری پیدا کرد.

عمده‌ترین عامل این همکاری‌ها، منافع مشترک دو کشور در مناطق آسیای مرکزی و قفقاز است؛ پس از فروپاشی شوروی، تلاش قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای نفوذ در این مناطق، تهدید منافع مشترک ایران و روسیه را در پی داشت. در این زمینه می‌توان به اقدامات ترکیه، اسرائیل و ایالات متحده در آسیای مرکزی و قفقاز و همکاری‌های آنان در این مناطق اشاره کرد. این مسأله تأثیر بسیاری بر همکاری ایران و روسیه در منطقه دارد.

این مقاله سعی دارد از میان عوامل مؤثر بر گسترش همکاری‌های ایران و روسیه، به این موضوع بپردازد که شکل‌گیری محور ترکیه و اسرائیل و حمایت ایالات متحده از آن، چه تأثیری بر تعمیق و گسترش روابط استراتژیک ایران و روسیه داشته و منافع و تهدیدات مشترک جمهوری اسلامی ایران و روسیه در برابر شکل‌گیری این محور چیست؟

این پرسش را با توجه به فرضیه ذیل پاسخ می‌دهیم: «همکاری‌های همه‌جانبه دو کشور ترکیه و اسرائیل که با پشتوانه ایالات متحده آمریکا پیگیری می‌شود، باعث کاهش نفوذ تهران و مسکو در آسیای مرکزی و قفقاز شده، و از آن‌جا که حضور قدرتمند ترکیه و اسرائیل در منطقه، منافع و امنیت ملی ایران و روسیه را به مخاطره می‌اندازد، شاهد گسترش روابط این دو کشور برای مقابله با تهدیدات مشترک حاصل از حضور و نفوذ ترکیه و اسرائیل در منطقه هستیم».

**کلیدواژه‌ها: روابط ایران و روسیه، روابط ترکیه و اسرائیل**

\* کارشناس ارشد روابط بین‌الملل.

Email: Sekhavat\_Reza12@yahoo.com

## مقدمه

فروپاشی شوروی باعث ظهور کشورهای جدیدی در مرزهای ایران شد. کشورهای تازه استقلال یافته در این منطقه به دلیل مشکلات مهم داخلی از ثبات لازم اقتصادی و سیاسی برخوردار نبودند، در نتیجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای نفوذ در میان کشورهای نوظهور و دستیابی به منابع غنی منطقه به تکاپوی گسترده‌ای دست زدند و برای نفوذ و حضور مؤثرتر در میان کشورهای جدیدالتأسیس و کسب منافع بیش‌تر به رقابت با یکدیگر پرداختند. در این رابطه برخی کشورها که دارای همسویی بیش‌تری در اهداف، منافع و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی خود بودند، به همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه روی آوردند تا در رقابت با قدرت‌های دیگر بتوانند به شکل بهتری منافع خود را تأمین کنند، که این امر با عکس‌العمل کشورهای رقیب مواجه شد.

پس از فروپاشی شوروی، ایران و جمهوری فدراتیو روسیه بنا به دلایل جهانی، منطقه‌ای و داخلی به سمت گسترش روابط دو جانبه در سطوح بین‌المللی و منطقه‌ای روی آوردند. از جمله عواملی که در گسترش همکاری‌های ایران و روسیه پس از فروپاشی شوروی مؤثر بوده است، می‌توان به نفوذ آمریکا در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز و تلاش آمریکا برای تحدید نفوذ این دو کشور در منطقه اشاره کرد. همچنین تلاش کشورهای هم‌چون ترکیه و اسرائیل برای گسترش نفوذ خود در منطقه و مقابله آن‌ها با حضور مؤثر ایران و روسیه در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز از دیگر عوامل مؤثر در توسعه همکاری‌های دو طرف بوده است.

هدف مقاله این است که روابط ایران و روسیه با نگاه به شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی پس از فروپاشی شوروی بررسی شود و به تأثیر پیمان استراتژیک ترکیه و اسرائیل بر همکاری‌های این دو کشور توجه شود.

مهم‌ترین مفروضات این پژوهش عبارتند از:

۱. به دنبال فروپاشی شوروی، کشورهایی که دارای همسویی بیش‌تری در جهت‌گیری‌های سیاست خارجی خود بودند، برای نفوذ بیش‌تر در کشورهای تازه تأسیس به ادغام امکانات و توانایی‌های خود با یکدیگر مبادرت ورزیدند که نزدیکی ترکیه و اسرائیل و همکاری استراتژیک ایران و روسیه برای نفوذ در منطقه از جمله این اقدامات است.
۲. به دلیل روابط مستحکم آمریکا با ترکیه و اسرائیل و حمایت‌های سیاسی و اقتصادی آمریکا از پیمان ترکیه و اسرائیل، این کشور یکی از طرف‌های پیمان مذکور محسوب می‌شود.
۳. ترکیه و اسرائیل سعی دارند از امکانات اقتصادی و سیاسی یکدیگر برای تحکیم

نفوذ خود در آسیای مرکزی و قفقاز و مقابله با نفوذ کشورهای ایران و روسیه در این منطقه بهره جویند.

۴. روسیه و ایران در نتیجه گسترش حضور کشورهای ترکیه و اسرائیل در منطقه با تهدیدات مشترکی مواجه هستند و منافع و امنیت ملی خود را در مخاطره می‌بینند، در نتیجه برای مقابله با این دو کشور دارای منافع مشترک هستند.

در مجموع، مقاله حاضر به دنبال بررسی این موضوع است که از میان عوامل مختلف مؤثر بر گسترش روابط ایران و روسیه پس از فروپاشی شوروی، اهداف و منافع مشترک ترکیه و اسرائیل و تلفیق امکانات این دو کشور برای نفوذ در آسیای مرکزی و قفقاز و تلاش آن‌ها برای تحدید نفوذ ایران و روسیه تا چه حد بر گسترش همکاری‌های تهران و مسکو تأثیر گذاشته است.

ایران و روسیه، قبل از شکل‌گیری محور ترکیه و اسرائیل، همکاری‌های خود را در ابعاد و سطوح مختلف گسترش داده بودند که از مهم‌ترین عوامل این همکاری‌ها می‌توان فروپاشی نظام تک قطبی و یکجانبه‌گرایی ایالات متحده برای ایجاد جهان تک قطبی، تلاش قدرت‌های منطقه‌ای برای نفوذ در آسیای مرکزی و قفقاز، نیازهای تکنولوژیکی ایران و منافع اقتصادی روسیه را برشمرد. شکل‌گیری اتحاد استراتژیک میان ترکیه و اسرائیل در فوریه ۱۹۹۶ در کنار عوامل فوق نقش مهمی را در تقویت همکاری‌های استراتژیک ایران و روسیه ایفا نموده است.

شکل‌گیری محور ترکیه و اسرائیل تأثیری جدی بر روابط بین‌المللی در منطقه خاورمیانه و آسیای مرکزی و قفقاز بر جای گذاشته و توازن قدرت را در منطقه بر هم زده است. نخبگان سیاسی و نظامی ترکیه با تکیه بر توانمندی‌های این کشور به دنبال نقشی مهم برای آنکارا در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز هستند. اقدامات گسترده ترکیه در آسیای مرکزی و قفقاز از یکسو و امضای پیمان‌های نظامی و امنیتی با اسرائیل از سوی دیگر، نشانگر نگرش هماهنگ با غرب در میان نخبگان ترکیه است. به عبارت دیگر، نزدیکی روابط ترکیه و اسرائیل و پیامدهای آن خارج از چارچوب سیاست منطقه‌ای امریکا قابل درک نخواهد بود و امریکا می‌تواند از این پیمان برای تقویت حضور خود در منطقه بهره‌برداری کند.<sup>(۱)</sup>

از سوی دیگر روابط نزدیک ترکیه و اسرائیل و حضور فعال اسرائیل در آسیای مرکزی و قفقاز، کسب مشروعیت سیاسی و منافع اقتصادی را برای این کشور به دنبال خواهد داشت و ترکیه ضمن تقویت بنیه نظامی و اقتصادی با کمک امریکا و اسرائیل، فعالیت رقبای خود یعنی

ایران و روسیه را در این مناطق محدود می‌کند. از این طریق دسترسی ترکیه و اسرائیل به این مناطق فراهم می‌شود که این امر به نوبه خود زمینه نفوذ امریکا را هموار می‌سازد.<sup>(۳)</sup>

## ۱. روابط ایران و روسیه قبل از فروپاشی شوروی

### ۱-۱. دوران سیاست‌های توسعه‌طلبانه و استعماری روسیه تزاری در قبال ایران

تاریخ روابط ایران و روسیه قدمتی چهارصد ساله دارد و شکل‌گیری روابط بین دو کشور به اواخر قرن پانزدهم و اوایل قرن شانزدهم بر می‌گردد.<sup>(۳)</sup> روسیه تزاری که بیش از هر کشور دیگری اراضی ایران را تصرف کرده، برای ایران یک واقعیت ژئوپلیتیک دائمی و آشکار است. اهداف عمده این کشور در چند قرن روابط با ایران شامل موارد زیر بوده است:

الف. تصرف سرزمین هر جا که ممکن باشد،

ب. جلوگیری از نفوذ کشورهای مخالف منافع روسیه در ایران،

ج. ایجاد سیطره بر سیاست‌های داخلی و خارجی ایران با هدف به حداقل رساندن نفوذ دولت‌های خارجی در این کشور.<sup>(۴)</sup>

روابط ایران و روسیه از گذشته، کم‌تر براساس یک رابطه رسمی دیپلماتیک و بیش‌تر مبتنی بر روابط اقتصادی و بازرگانی نواحی شمالی ایران با این کشور بوده است. اولین تماس‌های رسمی در زمان الکسی میخایلوویچ<sup>۱</sup> و بعدها در زمان پتر کبیر و جانشینانش در دوره صفویه انجام گرفت. تاریخ ایران نوین تا حدود زیادی آمیخته با رقابت سیاسی و ایدئولوژیک قدرت‌های بزرگ است و در کشمکش قدرت‌های بزرگ برای نفوذ در ایران، دو قدرت اساسی یعنی روسیه و انگلستان در سراسر قرن نوزدهم و قسمت اعظم قرن بیستم در عرصه سیاست ایران نقش ثابت و پایداری داشته‌اند.<sup>(۵)</sup> بدین ترتیب روسیه نقش بسیار مهمی در تاریخ روابط خارجی ایران داشته و موضوع ایران همواره از مهم‌ترین مسائل مورد علاقه سیاستمداران روسی بوده است. مهم‌ترین نکته قابل توجه در روابط دو کشور، شیوه برخورد دولت روسیه با دولت مرکزی ایران می‌باشد؛ به طوری که ارتباط با حکمرانان محلی در مواقع ضعف حکومت مرکزی ایران یکی از ویژگی‌های خاص دیپلماسی روسیه نسبت به ایران در قرن گذشته بوده و به شیوه‌ای خاص از این خط‌مشی برای نفوذ در کشور ما

1. Alexi Mikhailovich

استفاده شده است.

به طور کلی روسیه در طول قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم با تمام امکانات خود تلاش می کرد که با حفظ برتری اقتصادی، نفوذ سیاسی خود در ایران را نیز گسترش دهد تا به قلب تجارت و ثروت عظیم خلیج فارس و اقیانوس هند دست یابد. سلسله جنگ های ایران و روسیه در قرن نوزدهم که منجر به تحمیل عهدنامه های ترکمانچای و گلستان به ایران شد، بزرگ ترین ضربه نظامی، اقتصادی و سیاسی را بر استقلال ایران وارد کرد.<sup>(۶)</sup> رویداد انقلاب مشروطه در سال ۱۲۸۵ هجری شمسی از یکسو و خطر رایش دوم برای نفوذ در ایران از سوی دیگر باعث شد که رقبای دیرین یعنی انگلستان و روسیه دست اتحاد به یکدیگر دهند و با قرارداد ۱۹۰۷ میلادی حوزه نفوذ یکدیگر را به رسمیت بشناسند. با این قرارداد، نقش سنتی ایران که حایل بین روسیه و انگلستان بود از میان رفت و از آن به بعد آزادی عمل ایران با محدودیت زیادی مواجه شد.<sup>(۷)</sup>

## ۱-۲. اهداف ایدئولوژیک شوروی در ایران پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷

به دنبال انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه و پیروزی بلشویک ها، سیاست این کشور دچار تحولات اساسی شد. رهبران انقلابی به حکومت جهانی سوسیالیسم و رهایی خلق ها از یوغ استعمارگران می اندیشیدند و بر این اساس کشور ایران مانند سکوی پرش انقلاب تلقی شد. تروپاتوفسکی محقق روسی در سال ۱۹۱۸ میلادی درباره اهمیت ایران می نویسد: «ایران کانال سوئز انقلاب است. این کشور برای توفیق انقلاب شرق نخستین کشوری است که باید به وسیله شوروی ها تسخیر شود و باید ایران به انقلاب تعلق یابد».<sup>(۸)</sup> به این منظور بلشویک ها تمام امتیازاتی را که در زمان روسیه تزاری از ایران اخذ شده بود باطل اعلام کردند و اولین اقدام آن ها لغو قرارداد سال ۱۹۰۷ میلادی بود، چرا که این معاهده را ضد استقلال ملت ایران می دانستند. البته حسن رفتار شوروی را می توان نوعی سیاست جدید برای صدور انقلاب در سال های اولیه دانست.<sup>(۹)</sup>

به طور کلی برخلاف دوران روسیه تزاری که موقعیت ژئوپلیتیک ایران برای کسب منافع اقتصادی و مقاصد توسعه طلبی ارضی استفاده می شد، در اوایل دوران حکومت اتحاد جماهیر شوروی، این موقعیت برای کسب نفوذ سیاسی و ایدئولوژیکی مورد توجه واقع شد، اما از آن جا که جذب ایران به ایدئولوژی کمونیستی در این دوران ممکن نبود، حفظ ایران به عنوان کشوری غیرمتعهد برای مقامات شوروی، هدف مطلوبی به نظر می رسید.

در کل ایران از زمان رویارویی با امپراتوری روسیه و بعدها شوروی، دست کم سه مرحله متمایز را از سر گذرانده است:

الف. دوران گسترش ارضی روسیه که در آن ایران بخشی از قلمرو سرزمینی و فیزیکی خود را از دست داد،

ب. دوران استعماری روسیه در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ که مسکو در صدد سلطه سیاسی و اقتصادی بر ایران بود،

ج. دوران پیروزی بلشویک‌ها که مقامات اتحاد جماهیر شوروی در پی نفوذ سیاسی و ایدئولوژیک در ایران بودند و این کشور را کانال سوئز انقلاب می‌دانستند.<sup>(۱۰)</sup>

## ۲. روابط ایران و روسیه پس از فروپاشی شوروی

### ۲-۱. گسترش روابط ایران و روسیه پس از فروپاشی شوروی

در طول سالیان متمادی، مسائل و موضوعات متعدد، ایران و روسیه تزاری را از برقراری روابط مطلوب با هم بازداشته بود و این وضعیت تا زمان فروپاشی شوروی ادامه داشت. در حالی که پس از این دوران، موانع عمده بر سر راه گسترش روابط ایران و روسیه برداشته شد و برای نخستین بار در دو قرن گذشته، روابط آن‌ها متعادل شد. به‌علاوه پس از فروپاشی شوروی، فاصله جغرافیایی روسیه با ایران اعتماد به نفس بیشتری به ایران در روابط با این کشور بخشید. در واقع در سال‌های اولیه پس از فروپاشی شوروی، ایران عامل اثرگذار در تحولات منطقه به‌شمار آمد و با توجه به تحولی که در نگاه روسیه نسبت به ایران، خاورمیانه و اساساً نسبت به جهان روی داد، تنظیم روابط با جمهوری‌ها و ملاحظات امنیتی روسیه در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز که تحت تأثیر نگاه جهانی روسیه تنظیم می‌شود، تحول یافت. روابط ایران با روسیه در دوران نخست‌وزیری پریماکف<sup>۱</sup> به‌صورت استراتژیک توسعه یافت و دو کشور براساس ملاحظات عمل‌گرایانه و استراتژیک برای گسترش روابط اقدام کردند.<sup>(۱۱)</sup>

بعد از فروپاشی شوروی، ایران به نزدیک‌ترین متحد روسیه در خاورمیانه تبدیل شد و برخلاف تلاش‌های آمریکا برای منزوی کردن ایران، روسیه از ایران حمایت دیپلماتیک نمود. روابط بین ایران و روسیه در ژوئن ۱۹۸۹ با دیدار آقای هاشمی رفسنجانی از مسکو و امضای توافقنامه‌های عمده در زمینه همکاری‌های اقتصادی و نظامی گسترش یافت.<sup>(۱۲)</sup>

## ۲-۲. سطوح سه‌گانه روابط ایران و روسیه پس از فروپاشی شوروی

مناسبات ایران و روسیه پس از فروپاشی شوروی در سطوح مختلف داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی قابل بررسی است.

۲-۲-۱. **سطح داخلی:** در سطح داخلی نیازهای تکنولوژیک ایران، به ویژه تکنولوژی هسته‌ای و منافع اقتصادی روسیه، عامل اصلی گسترش همکاری‌ها بوده است. به‌طور کلی همکاری‌های نظامی و فروش تسلیحات به ایران از جمله محورهای مهم مورد توجه روسیه در گسترش مبادلات دو کشور بوده است.<sup>(۱۳)</sup>

۲-۲-۲. **سطح منطقه‌ای:** همکاری‌های منطقه‌ای ایران و روسیه در راستای برقراری امنیت و ثبات و جلوگیری از مسابقه قدرت کشورهای بیگانه در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز شکل گرفته است. آسیای مرکزی و قفقاز محدوده‌ای امنیتی برای هر دو کشور ایران و روسیه محسوب می‌شود که ژئوپلیتیک هر دو کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد و از نظر تأمین صلح و ثبات در منطقه برای هر دو کشور بسیار حیاتی است.<sup>(۱۴)</sup>

ایران و روسیه در مورد بهره‌برداری از منابع نفت و گاز دریای خزر و انتقال انرژی از حوزه خزر نیز دارای اهداف و منافع مشترکی هستند و به همین دلیل برای متوقف کردن اجرای خط لوله باکو - جیهان و خط ترانس خزر با یکدیگر همکاری می‌کنند؛ هر چند که منافع بلندمدت آن‌ها درباره مسیرهای انتقال انرژی متفاوت است.

۲-۲-۳. **سطح بین‌المللی:** ایران و روسیه در عرصه بین‌المللی موقعیتی نسبتاً مشابه و مواضع مشترکی دارند که باعث شده است همکاری‌های خود را در این زمینه به‌طور فزاینده‌ای گسترش دهند.<sup>(۱۵)</sup> از مشترکات می‌توان به تلاش برای تغییر منزلت منطقه‌ای خود، مخالفت با نظام تک قطبی و سلسله مراتبی، مقابله با نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در آسیای مرکزی و قفقاز، مخالفت با گسترش ناتو به شرق و نیز جلوگیری از تسلط شرکت‌های بزرگ فراملیتی بر انرژی حوزه خزر اشاره کرد.<sup>(۱۶)</sup>

## ۳. زمینه‌ها، اهداف و پیامدهای همگرایی ترکیه و اسرائیل

### ۳-۱. زمینه‌های شکل‌گیری محور استراتژیک ترکیه و اسرائیل

روابط دو کشور ترکیه و اسرائیل تا پایان جنگ سرد از نوعی دوگانگی برخوردار بود و با وجود این که ترکیه نخستین کشور مسلمانی بود که در سال ۱۹۴۹ موجودیت اسرائیل را به رسمیت

شناخت، ولی تا پایان جنگ سرد چرخش زیادی در سیاست خارجی خود درباره اسرائیل داشت؛ این کشور گاهی روابط خود را با اعراب گسترش داده و در سیاست‌های منطقه‌ای و مجامع جهانی علیه اسرائیل موضع‌گیری می‌کرد و گاهی نیز در راستای ائتلاف با غرب و در چارچوب استراتژی جهانی و منطقه‌ای غرب درصدد گسترش بیش‌تر روابط خود با اسرائیل بر می‌آمد. از جمله عواملی که مانع گسترش بیش‌تر روابط ترکیه و اسرائیل در سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۰ میلادی شد، می‌توان به فشار افکار عمومی داخلی، بحران اقتصادی، شرایط ویژه منطقه‌ای و حساسیت اعراب نسبت به سیاست‌های این کشور در قبال اسرائیل اشاره کرد.<sup>(۱۷)</sup>

با پایان جنگ سرد شرایط برای برطرف ساختن رکود روابط ترکیه و اسرائیل مناسب به‌نظر رسید و دو کشور در مسیر گسترش همکاری‌های اقتصادی و نظامی خود گام‌هایی برداشتند. نقطه عطف همکاری‌های اقتصادی و نظامی دو کشور، انعقاد پیمان استراتژیک امنیتی و نظامی در فوریه ۱۹۹۶ بود که باعث برهم خوردن توازن قدرت در منطقه خاورمیانه شد. این پیمان با استراتژی منطقه‌ای ایالات متحده همخوانی دارد و امریکا از این پیمان حمایت‌های سیاسی و اقتصادی به عمل آورده است؛ به‌طوری که برخی از کارشناسان، این کشور را طرف سوم پیمان استراتژیک ترکیه و اسرائیل می‌دانند.<sup>(۱۸)</sup>

پس از جنگ سرد، شرایط برای ارتقای روابط ترکیه و اسرائیل فراهم شد، با ارتقای سطح روابط دیپلماتیک میان آنکارا و تل‌آویو و مبادله سفیر در اواخر سال ۱۹۹۱، روابط دو جانبه مسیر تازه‌ای یافت. از این پس و به دنبال موافقتنامه معروف همکاری ترکیه و اسرائیل در سال ۱۹۹۶، نشست‌های دوره‌ای مقامات ترکیه و اسرائیل تقریباً به‌طور منظم هر شش ماه برگزار و قراردادهای نظامی، اقتصادی و فرهنگی میان آن‌ها منعقد شده است.<sup>(۱۹)</sup> اتحاد استراتژیک میان ترکیه و اسرائیل که نقطه اوج همکاری‌های استراتژیک این دو کشور است، شامل تدارک تسلیحاتی ترکیه از سوی اسرائیل، مانورهای دریایی مدیترانه (با مشارکت امریکا)، تمرین‌های آموزش نیروی هوایی اسرائیل در فضای هوایی وسیع منطقه آناتولی ترکیه همکاری و مشارکت اطلاعاتی و آموزش ضدتروریسم است. از این رو پس از امضای موافقتنامه همکاری نظامی در بیست‌وسوم ماه فوریه ۱۹۹۶ و پیمان‌های تکمیلی بعدی، مناسبات ترکیه و اسرائیل وارد مرحله جدیدی از همکاری نظامی یا به عبارت بهتر همکاری استراتژیک شده است.<sup>(۲۰)</sup>

به موازات افزایش همکاری‌های نظامی ترکیه و اسرائیل از سال ۱۹۹۶، دو طرف گام‌های مهمی نیز در زمینه توسعه اقتصادی برداشته‌اند که از جمله آن‌ها توافقنامه تجارت آزاد در مارس ۱۹۹۶ است. براساس این توافقنامه، دو طرف معافیت‌های گمرکی متقابل را



برای کالاهای صادراتی در نظر گرفته‌اند و همچنین براساس آن، حجم مبادلات تجاری سالانه ترکیه و اسرائیل تا دو میلیارد دلار افزایش می‌یابد.

بنابراین همکاری‌های اقتصادی در کنار گسترش همکاری‌های نظامی از شاخصه‌های اصلی روابط ترکیه و اسرائیل از نیمه دوم دهه نهم قرن بیستم است، این همکاری‌ها پس از پایان جنگ سرد سیری صعودی داشته است. یکی از کارشناسان امریکایی در این باره چنین می‌گوید: «این واقعیت که اسرائیل و ترکیه، یعنی قدرتمندترین دولت‌ها از لحاظ اقتصادی و نظامی در منطقه همانند دو شریک به فعالیت و همکاری با یکدیگر می‌پردازند، تحول بسیار با اهمیتی محسوب می‌شود».<sup>(۲۱)</sup>

هر چند مفاد پیمان ترکیه و اسرائیل محرمانه باقی مانده است، اما از اظهارات مقامات رسمی دو کشور به صورت جسته و گریخته می‌توان به ابعاد توافقات پی برد. به عنوان مثال وزیر خارجه وقت ترکیه در آوریل ۱۹۹۶ اظهار داشت که «ترکیه برای حمله به سوریه به کمک اسرائیل نیاز ندارد و توافقنامه نظامی ترکیه و اسرائیل معاهده دفاع مشترک نیست و سوریه و ایران را تهدید نمی‌کند، بلکه هدف آن کمک اسرائیل برای تجهیز هواپیماهای اف-۴ و فانتوم ترکیه و مبادله کارشناس در زمینه‌های نظامی است». مصطفی قالملی<sup>۱</sup> رئیس مجلس ترکیه نیز در ۱۲ اکتبر ۱۹۹۶ در سفر به قاهره اعلام کرد که «توافقنامه ترکیه و اسرائیل از نوع هم پیمانی و دفاع مشترک نیست و تهدید علیه کشوری محسوب نمی‌شود، بلکه جنبه همکاری نظامی و آموزشی دارد».<sup>(۲۲)</sup>

همچنین وزیر دفاع اسرائیل در ۱۸ مارس ۱۹۹۶ از توافق ترکیه و اسرائیل در زمینه انجام مانورها و تمرین‌های مشترک نظامی و تأسیس دانشکده امنیتی برای گفتگوهای استراتژیک بین دو طرف خبر داد. به طور کلی مفاد مندرج در پیمان استراتژیک ترکیه و اسرائیل نشان می‌دهد که دو کشور با انعقاد این پیمان به دنبال دستیابی به اهداف سیاسی و اقتصادی هستند. کشورهایی همچون ایران که پیمان مذکور برای آن‌ها تهدید به حساب می‌آید باید به دنبال کشف اهداف اصلی این پیمان باشند تا بتوانند شرایط لازم در برخورد با پیامدهای آن را فراهم کنند.

### ۲-۳. تأثیر فروپاشی نظام دو قطبی در گسترش روابط ترکیه و اسرائیل

برای بررسی عمیق‌تر زمینه‌های همبستگی ترکیه و اسرائیل باید این نکته را در نظر داشت که دشمن تراشی و ایجاد وحشت از تجاوز بیگانگان به منافع و هدف‌های ملی، عموماً همبستگی و اتحاد ملی را تقویت و افکار عمومی را متوجه منافع و مصالح عمومی می‌کند و باعث می‌شود که مردم و گروه‌ها اختلافات داخلی خود را موقتاً کنار بگذارند.<sup>(۲۳)</sup>

به نظر می‌رسد که رفتار تنازعی ترکیه و تضاد سیاسی اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی ایران بعد از جنگ سرد، منطبق با این فرضیه باشد؛ چرا که در دوران جنگ سرد، کشورهای ترکیه و اسرائیل سدی برای نفوذ کمونیسم تلقی می‌شدند و از اهمیت استراتژیکی برای غرب برخوردار بودند، ولی بعد از فروپاشی شوروی این دو کشور اهمیت استراتژیکی خود را برای غرب از دست دادند و به منظور بازیابی اهمیت استراتژیکی قبلی و آفرینش نقش جدیدی برای خود در منطقه پس از پایان جنگ سرد، به طرح خطر توان هسته‌ای ایران در منطقه و ضرورت مقابله با خطر فزاینده بنیادگرایی اسلامی پرداختند. آمریکا نیز که تسلط بر منابع انرژی منطقه، تأمین امنیت اسرائیل و فروش تسلیحات نظامی را جزء اولویت‌های استراتژی منطقه‌ای خود می‌داند و سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران را در تضاد با اهداف و منافع خود قلمداد می‌کند، در خلأ ایدئولوژی کمونیسم و با بزرگنمایی خطر اسلام‌گرایی افراطی، مشروعیت حضور خود را در منطقه توجیه می‌کند.<sup>(۲۴)</sup> به عبارت دیگر در نبود ایدئولوژی کمونیسم، سه کشور مذکور در انتخاب اسلام به‌عنوان بدیلی برای کمونیسم به اشتراک نظر رسیدند و یکی از دلایل شکل‌گیری محور ترکیه و اسرائیل و حمایت آمریکا از آنان در این چارچوب قابل بحث و بررسی است.

در مجموع زمینه‌های شکل‌گیری پیمان ترکیه و اسرائیل را باید با توجه به فضای پس از جنگ سرد بررسی کرد که تحولات مهمی را در منطقه به‌دنبال داشت. از جمله این تحولات می‌توان به خلأ ایدئولوژی، خلأ قدرت، تغییر در ژئوپلیتیک منطقه و استقلال کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز اشاره کرد که این تحولات در همگرایی ترکیه و اسرائیل تأثیر داشتند.

### ۳-۳. اهداف مشترک ترکیه و اسرائیل از نزدیکی به یکدیگر

کشورهای ترکیه و اسرائیل اهداف مشترکی را در سطح منطقه دنبال می‌کنند و پیمان استراتژیکی این دو کشور نیز در همین راستا قابل ارزیابی است. مهم‌ترین اهداف مشترک

ترکیه و اسرائیل عبارتند از:

الف. تلاش برای بازیابی اهمیت استراتژیک سابق برای غرب پس از پایان جنگ سرد که در این راستا با طرح خطر بنیادگرایی اسلامی برای امنیت منطقه، خود را جزئی از استراتژی ضد ایرانی قلمداد کردند.<sup>(۲۵)</sup>

ب. مقابله با کشورهایی که تهدیدی علیه منافع ترکیه و اسرائیل محسوب می‌شوند. در این راستا هر دو کشور، البته با درجات مختلف، خواهان اعمال فشار بر کشورهای مثل ایران و سوریه هستند. ترکیه در سطح ایدئولوژیک و سیاسی با ایران مشکل دارد.<sup>(۲۶)</sup> اسرائیل نیز تلاش ایران برای دستیابی به فناوری هسته‌ای را عامل تهدید امنیت و موجودیت خود می‌داند و به همین دلیل وقتی که موشک‌های میان‌برد شهاب ۳ در اوت ۱۹۹۸ به وسیله ایران آزمایش شد، مقامات اسرائیل تبلیغات وسیعی را علیه آن به راه انداختند و آن را تهدیدی علیه اسرائیل قلمداد کردند.<sup>(۲۷)</sup>

ج. بهره‌برداری از منابع عظیم انرژی در منطقه. این منابع عظیم نفت و گاز در شمال و جنوب ایران قرار دارد و هر دو کشور ترکیه و اسرائیل فاقد منابع نفت و گاز هستند. بنابراین تلاش برای دستیابی به منافع حاصل از استخراج و انتقال انرژی در منطقه و به ویژه در حوزه خزر، زیر چتر حمایتی ایالات متحده آمریکا، سیاست‌های ترکیه و اسرائیل را همسو می‌کند.

#### ۳-۴. پیامدهای روابط استراتژیک ترکیه و اسرائیل

روابط استراتژیک ترکیه و اسرائیل تبعاتی را به همراه داشته است که دارای دو بعد سیاسی - امنیتی و سیاسی - اقتصادی است:

۳-۴-۱. پیامدهای سیاسی - امنیتی: شکل‌گیری محور استراتژیک ترکیه و اسرائیل و همکاری‌های همه‌جانبه این دو کشور تأثیری جدی بر روابط بین‌المللی دارد و موازنه قدرت را در منطقه خاورمیانه بر هم زده است. با توجه به ادعاهای مقامات ترکیه و اسرائیل مبنی بر این‌که همگرایی آن‌ها علیه کشور ثالثی نیست، تسری ناگهانی مناسبات دو کشور از حوزه سیاسی و اقتصادی به حوزه همکاری‌های نظامی و امنیتی، آن هم در دورانی که انتظار چرخش مناسبات منطقه‌ای در خاورمیانه از محور نظامی - امنیتی به سمت محور سیاسی - اقتصادی می‌رفت، باعث نگرانی کشورهای منطقه شده است.

۳-۴-۲. پیامدهای سیاسی - اقتصادی: از نظر ترکیه و اسرائیل، تلفیق امکانات و توانایی‌های متقابل راهی برای نفوذ هر چه بیش‌تر در بازارهای بکر و وسیع آسیای مرکزی و

قفقاز محسوب می‌شود. ترکیه خواهان انتقال انرژی حوزه خزر از طریق خط لوله باکو - جیهان است که در این راستا اسرائیل و لابی‌های اسرائیل به ترکیه در حمایت از انتقال خط لوله باکو - جیهان، اطمینان داده‌اند.<sup>(۲۸)</sup>

#### ۴. تأثیر شکل‌گیری محور ترکیه - اسرائیل بر گسترش همکاری‌های ایران

##### و روسیه

#### ۴-۱. عوامل گسترش روابط ایران و روسیه قبل از شکل‌گیری محور ترکیه

##### و اسرائیل

ایران و روسیه، همکاری‌های خود را قبل از شکل‌گیری محور ترکیه و اسرائیل گسترش داده بودند که مهم‌ترین عوامل این امر در سطوح بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی عبارتند از:

#### ۴-۱-۱. تحولات نظام بین‌المللی: فروپاشی نظام دو قطبی، یکجانبه‌گرایی امریکا و تلاش

این کشور برای ایجاد جهان تک قطبی، نفوذ ایالات متحده امریکا در مناطق آسیای مرکزی و قفقاز و سعی این کشور در تحدید نفوذ ایران و روسیه، گسترش ناتو به شرق و تهدید منافع مشترک ایران و روسیه در نتیجه نزدیکی ناتو به مرزهای این دو کشور باعث تهدید منافع ایران و روسیه شده است و این امر دو کشور را به یکدیگر نزدیک می‌سازد.

#### ۴-۱-۲. سیاست‌های منطقه‌ای مشترک ایران و روسیه: تلاش قدرتهای منطقه‌ای

برای نفوذ در آسیای مرکزی و قفقاز که تأمین منافع ایران و روسیه را در این منطقه با محدودیت‌های فراوانی مواجه می‌سازد، باعث تحدید حوزه نفوذ دو کشور ایران و روسیه شده و سیاست‌های این دو کشور را همسو می‌کند.

#### ۴-۱-۳. نیازهای داخلی ایران و روسیه: در سطح داخلی، نیازهای تکنولوژیکی و

تسلحاتی ایران و منافع اقتصادی روسیه از بابت فروش تسلیحات و تکنولوژی به ایران، منافع این دو کشور را با یکدیگر پیوند می‌دهد.

موارد مذکور از مهم‌ترین عواملی هستند که قبل از شکل‌گیری پیمان استراتژیک

ترکیه و اسرائیل باعث نزدیکی ایران و روسیه شده است. اما پس از تکوین پیمان استراتژیک

ترکیه و اسرائیل، روابط نزدیک و حضور فعال این دو کشور در آسیای مرکزی و قفقاز تقویت

شده و فعالیت رقبای آن‌ها یعنی ایران و روسیه محدود شده است.<sup>(۲۹)</sup>

## ۲-۴. تأثیر شکل‌گیری مثلث ترکیه - اسرائیل - جمهوری آذربایجان بر

### روابط ایران و روسیه

از پیامدهای روابط استراتژیک ترکیه و اسرائیل و همکاری‌های همه‌جانبه آن‌ها در حوزه خزر، همسویی بیش‌تر جمهوری آذربایجان با جهت‌گیری‌های این دو کشور و شکل‌گیری مثلث ترکیه - اسرائیل - جمهوری آذربایجان در منطقه بود که این امر تهدیدی مشترک برای جمهوری اسلامی ایران و روسیه محسوب می‌شود.

هم پیمانی ترکیه و اسرائیل و گسترش روابط آن‌ها با جمهوری آذربایجان تأثیری منفی بر روابط ایران و کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز بر جای گذاشته و جمهوری آذربایجان را به پایگاه دشمنان ایران یعنی اسرائیل و آمریکا تبدیل کرده است. اهمیت این مسأله وقتی آشکار می‌شود که سیاست‌های قوم‌گرایانه جمهوری آذربایجان را که با پشتوانه حمایت‌های ترکیه و به ویژه آمریکا اعمال می‌شود، در نظر بگیریم. این مسأله از یکسو تهدیدهای جمهوری اسلامی ایران را در مناطق آذری‌نشین و به‌طور کلی در مناطق قومی کشور افزایش داده و از سوی دیگر باعث ایجاد نگرانی روسیه از شکل‌گیری پان‌ترکیسم در آسیای مرکزی و قفقاز شده و اراده سیاسی این کشور را در افزایش همکاری با ایران تقویت نموده است.<sup>(۳۰)</sup>

شکل‌گیری مثلث ترکیه، اسرائیل و آذربایجان با پشتیبانی سیاسی و اقتصادی ایالات متحده، منافع ایران، روسیه و ارمنستان را در منطقه با محدودیت‌هایی مواجه نموده و مثلث ایران، روسیه و ارمنستان را برای مقابله با آن شکل داده است.<sup>(۳۱)</sup> در مجموع با توجه به تهدیداتی که شکل‌گیری محور ترکیه - اسرائیل متوجه منافع ایران و روسیه در مناطق استراتژیک آسیای مرکزی و قفقاز نموده است و با حضور جمهوری آذربایجان به‌عنوان طرف ثالث آن و حمایت‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی آمریکا که سعی در تحدید حوزه نفوذ و منافع ایران و روسیه دارد، این وضعیت تأثیر مثبتی بر روابط تهران و مسکو گذاشته است.

## ۳-۴. نقش ایالات متحده در شکل‌گیری محور ترکیه و اسرائیل

در رابطه با تأثیر همگرایی ترکیه و اسرائیل در گسترش مناسبات ایران و روسیه باید به نقش ایالات متحده در شکل‌گیری محور ترکیه و اسرائیل و استراتژی این کشور برای مقابله با نفوذ کشورهای ایران و روسیه در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز اشاره کرد. ایالات متحده در دوران پس از جنگ سرد همواره درصدد ایجاد جهان تک قطبی بوده و برای دستیابی به این

هدف سعی دارد در مناطق استراتژیک جهان حضور داشته باشد و از حضور و نفوذ کشورهای مخالف سیاست‌های خود جلوگیری کند. در این راستا است که از اقدامات و جهت‌گیری‌های متحدان منطقه‌ای خود به دلیل مقابله با نفوذ کشورهای مخالف نیز حمایت به عمل می‌آورد. برای رسیدن به این هدف ایالات متحده ضمن تلاش برای افزایش نفوذ خود در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز (پس از فروپاشی شوروی) از موقعیت متحدان منطقه‌ای خود، از جمله ترکیه و اسرائیل، برای مقابله با نقش برتر ایران و روسیه در منطقه حمایت سیاسی و اقتصادی می‌نماید.

#### ۴-۴. سیاست‌های ایالات متحده در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز در برابر

##### ایران و روسیه

ایالات متحده در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز در رابطه با کشورهای ایران و روسیه سیاست‌های خاصی را دنبال می‌کند. در مورد ایران، اساس سیاست خارجی آمریکا در این منطقه «سیاست همه چیز بدون ایران»<sup>۱</sup> است که مخالفت آمریکا با حضور ایران در طرح‌های مربوط به استخراج و انتقال انرژی در حوزه خزر در این راستا قابل ارزیابی است.<sup>(۳۲)</sup> ایالات متحده تلاش می‌کند در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز (در دوران پس از جنگ سرد) از نفوذ بیش از حد روسیه نیز جلوگیری کند. پس از این دوران، علاقه آمریکا به توسعه موقعیت خود در کشورهای مستقل مشترک‌المنافع به میزان زیادی افزایش یافت و روسیه نیز جمهوری‌های اتحاد شوروی سابق را «خارج نزدیک» و به عبارت دیگر جزو منافع حیاتی خود می‌داند. در نتیجه منافع ملی آمریکا هیچ‌گونه مطابقتی با نزدیکی نظامی، سیاسی و اقتصادی روسیه و جمهوری‌های اتحاد جماهیر شوروی سابق ندارد و به همین دلیل در صدد تضعیف روابط میان آن‌هاست. به عبارت دیگر بسیاری از سیاستمداران آمریکایی تمایل به تحدید نفوذ روسیه در مرزهای خود و خنثی شدن تلاش‌های مسکو برای ایفای نقش «کانون همگرایی» کشورهای مستقل مشترک‌المنافع دارند و سیاست روسیه به دلیل تحکیم روابط تاریخی خود با همسایگانش، در آمریکا به‌عنوان پیدایش «امپریالیسم نوین روسیه» تلقی می‌شود. در نتیجه جلوگیری از نفوذ بیش از حد روسیه در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز، همانند جلوگیری از گسترش نفوذ ایران، در سیاست خارجی آمریکا جایگاه ویژه‌ای دارد.<sup>(۳۳)</sup>

1. Everything without Iran Policy

#### ۴-۵. تأثیر شکل‌گیری محور ترکیه و اسرائیل بر گسترش همکاری‌های

##### استراتژیک ایران و روسیه

شکل‌گیری محور ترکیه و اسرائیل تأثیر فراوانی بر گسترش همکاری‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی ایران و روسیه در مورد سیاست‌های منطقه‌ای آن‌ها بر جای گذاشته و همکاری‌های این دو کشور در حوزه آسیای مرکزی و قفقاز - که با استراتژی منطقه‌ای امریکا نیز همخوانی دارد - باعث تحدید نفوذ روسیه و ایران شده است. در واقع پیمان ترکیه و اسرائیل در این منطقه، بر تحقق یافتن سیاست‌های ایالات متحده برای تحدید نفوذ ایران و روسیه در منطقه تأثیر بسیاری دارد.

علاوه بر این، کشورهای ترکیه و ایران برای نفوذ در آسیای مرکزی و قفقاز دارای رقابت شدیدی هستند که عمده‌ترین زمینه آن تعیین مسیر انتقال لوله‌های نفت و گاز از این منطقه است و به همین دلیل هرگونه امکانی که موجب تضعیف موقعیت ایران در منطقه شود، مطلوب ترکیه است و ممانعت از دستیابی ایران به امکانات ترانزیتی که افزایش جایگاه منطقه‌ای ایران را در پی خواهد داشت، خواست و برنامه دولت‌مردان ترکیه است. از سوی دیگر تلاش ترکیه برای ایفای نقش برادر بزرگ‌تر برای جمهوری‌های ترک زبان آسیای مرکزی و قفقاز، با منافع حیاتی روسیه نیز در این منطقه همخوانی ندارد و خطر شکل‌گیری جبهه ترک در مناطق حایل بین ایران و روسیه، امنیت و منافع ملی هر دو کشور را که دارای اقلیتی از جمعیت ترک زبان هستند، تهدید می‌کند. بر همین اساس بود که ابتکار عمل ترکیه برای ایجاد یک مرجع تبادل نظر به صورت گردهمایی سران کشورهای ترک زبان باعث نگرانی مسکو شد و روسیه بلافاصله نمایندگانی از کشورهای مستقل مشترک‌المنافع<sup>۱</sup> را که در یکی از اجلاس‌های سران کشورهای ترک زبان شرکت کرده بودند، به مسکو دعوت کرده و اعتراض خود را به آن‌ها اعلام کرد.<sup>(۳۴)</sup>

ترکیه برای گسترش نفوذ خود در منطقه، با سیاست‌های منطقه‌ای اسرائیل همسو شده و حضور آن را مکمل فعالیت‌های خود می‌داند؛ چرا که ترکیه برای سرمایه‌گذاری در منطقه با محدودیت‌های مالی مواجه است و توانمندی‌های تکنولوژیک و اقتصادی اسرائیل می‌تواند کمبودهای ترکیه را در این باره جبران کند. همچنین منابع غنی انرژی در منطقه خزر و فقدان این منابع در ترکیه و اسرائیل و نیز تعارض ایدئولوژیکی آن‌ها با جمهوری اسلامی ایران باعث

---

1. Commonwealth of Independent States (CIS)

شده است که این دو کشور با حضور فعال ایران در حوزه خزر مخالفت کنند. ترکیه همچنین با نزدیکی به اسرائیل درصدد است که حمایت لابی یهود را در امریکا به دست آورد تا از کمک‌های همه‌جانبه غرب و به ویژه امریکا بهره‌مند شود.<sup>(۳۵)</sup> امریکا نیز با پیروی از استراتژی مهار ایران و تحدید نفوذ روسیه از همکاری نزدیک ترکیه و اسرائیل در منطقه استقبال می‌کند. اصرار امریکا در انتقال نفت منطقه به غرب از مسیری غیر از ایران - به رغم غیراقتصادی بودن آن - از مصادیق بارز رفتار خصمانه امریکا نسبت به ایران است و در این راستا اسرائیل نیز با سیاست‌های امریکا همگام شده است؛ به طوری که شیمون اشتاین<sup>۱</sup> معاون مدیر کل کشورهای مشترک‌المنافع وزارت امور خارجه اسرائیل از طرح خط لوله باکو - جبهان حمایت کرده و طی سفری به باکو گفته است که این طرح هم از جنبه اقتصادی و هم از لحاظ استراتژیک مهم تلقی می‌شود.<sup>(۳۶)</sup>

جهت‌گیری‌های مشترک ترکیه و اسرائیل و همکاری‌های همه‌جانبه این دو کشور در آسیای مرکزی و قفقاز تهدید مشترکی برای منافع ایران و روسیه در منطقه محسوب می‌شود. از این‌رو هم تهران و هم مسکو درصدد تحدید نفوذ ترکیه و اسرائیل در منطقه هستند. بنابراین شاهد نوعی اتحاد طبیعی میان ایران و روسیه برای مقابله با پیامدهای شکل‌گیری محور ترکیه و اسرائیل در مناطق حایل میان دو کشور هستیم.

اسرائیل از طریق نزدیکی به ترکیه درصدد است که از مجرای روابط اقتصادی و تجاری، روابط سیاسی و دیپلماتیک خود را توسعه داده و به تدریج عمق موقعیت استراتژیک خود را در منطقه افزایش دهد. تلاش برای جلب همکاری جمهوری‌های منطقه در مجامع بین‌المللی برای کاهش فشار علیه اسرائیل، رفع بحران مشروعیت بین‌المللی و جلوگیری از تشکیل جبهه ضد اسرائیلی در منطقه از اهداف عمده اسرائیل است. در این راستا برخی از کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز از حضور اسرائیل در منطقه استقبال می‌کنند و اعتقاد دارند که اسرائیل به خاطر مهارت‌های تکنولوژیک و الگوی حکومتی سکولار می‌تواند ادغام این جمهوری‌ها را در نظام جهانی مدرن آسان سازد.<sup>(۳۷)</sup>

از دیگر اهداف مشترک ترکیه و اسرائیل در حوزه خزر، مقابله با استیلا و نفوذ روسیه در منطقه است. ترکیه نفوذ قابل توجهی در آسیای مرکزی و قفقاز دارد؛ به طوری که بعضی از کشورهای غربی، به ویژه ایالات متحده امریکا، از جایگزینی ترکیه به جای مسکو حمایت به عمل می‌آورند. این مساله یکی از نقاط مشترک ترکیه و اسرائیل در منطقه است و این دو

1. Shimon Ashtain



کشور در رقابت با برتری جویی روسیه در منطقه (با پیروی از امریکا) دارای سیاست‌های یکسانی هستند. اسرائیل در این زمینه از ترکیه به‌عنوان «اسب تروا» برای ایجاد جای پای در مناطق مسلمان‌نشین شوروی سابق و با هدف تضعیف نفوذ روسیه سود می‌جوید.<sup>(۳۸)</sup>

پس از شکل‌گیری محور ترکیه و اسرائیل، اسرائیل از اقدامات ترکیه در رابطه با انتقال انرژی از خاک آن کشور حمایت کرده است؛ چرا که از دید دو کشور، ترکیه و اسرائیل با تلفیق امکانات متقابل، مسیر دو کشور را برای نفوذ در بازارهای وسیع حوزه خزر هموار می‌کنند. در این راستا یکی از دیپلمات‌های اسرائیلی اظهار داشته است: «اسرائیل درصدد است برای سرمایه‌گذاری در آسیای مرکزی و قفقاز با ترکیه شریک شود؛ زیرا اسرائیل از مجرای بازرگانان ترک آسان‌تر به جمهوری‌های منطقه راه خواهد یافت». بنابراین اسرائیل در تمام طرح‌های مربوط به استخراج و انتقال انرژی در حوزه خزر از اقدامات ترکیه حمایت به عمل می‌آورد. همکاری شرکت گامای<sup>۱</sup> ترکیه با اسرائیل از همکاری‌های مشترک اقتصادی دو کشور محسوب می‌شود. یکی از دیپلمات‌های ارشد اسرائیلی نیز درباره طرح انتقال انرژی به صراحت از انتقال انرژی از مسیر ترکیه حمایت کرده و آن را دارای ابعاد اقتصادی و ایدئولوژیک دانسته است.<sup>(۳۹)</sup> درباره انتقال انرژی حوزه خزر، ترکیه از یکسو خواهان احداث خط لوله باکو - جیهان است که نفت جمهوری آذربایجان را به بندر مدیترانه‌ای جیهان می‌رساند و از سوی دیگر خواستار احداث خط لوله گاز طبیعی ترانس - خزر است که گاز ترکمنستان را به‌صورت مستقیم به ترکیه انتقال می‌دهد، در حالی که این مسیرهای برنامه‌ریزی شده برای انتقال انرژی از قلمرو کشورهای ایران و روسیه نمی‌گذرد. از سوی دیگر امریکا با هدف ادامه سیاست تحدید نفوذ روسیه و انزوای ایران به تقویت نقش ترکیه در منطقه ادامه می‌دهد و در این راستا اسرائیل نیز با سیاست‌های امریکا همگام است.<sup>(۴۰)</sup>

بنابراین در آسیای مرکزی و قفقاز با مثلث امریکا، ترکیه و اسرائیل مواجه هستیم که برای مقابله با حضور و گسترش نفوذ ایران و روسیه دارای منافع مشترکی هستند و در نتیجه تهران و مسکو برای حفظ توازن قدرت در مقابل این کشورها، همکاری‌های همه‌جانبه خود را به‌صورت استراتژیک گسترش داده‌اند.

## نتیجه‌گیری

پس از فروپاشی شوروی، روابط ایران و روسیه دچار تحولات فراوانی شد و در ابعاد و سطوح مختلف با گسترش فزاینده‌ای روبه‌رو شد. در این مقطع زمانی، روسیه موقعیت ژئوپلیتیکی خود را از دست داد و اولویت‌های سیاست خارجی این کشور با دگرگونی‌هایی مواجه شد. به دنبال آشکار شدن نگرانی فزاینده روسیه درباره جمهوری‌های تازه به استقلال رسیده در آسیای مرکزی و قفقاز که روس‌ها از آن به‌عنوان «حیات خلوت» و «خارج نزدیک» خود نام می‌بردند، تمرکز سیاست خارجی روسیه نسبت به ایران بیش‌تر شد. در همین راستا مسکو روابط خود را با تهران گسترش داد.

ترویج پان‌ترکیسم از نگرانی‌های مشترک ایران و روسیه از سوی ترکیه در منطقه است. پس از استقلال جمهوری‌های ترک زبان آسیای مرکزی و قفقاز، ترکیه اولین کشوری بود که آن‌ها را به رسمیت شناخت. ترکیه خود را به‌عنوان یک الگوی سکولار، دموکراتیک و مبتنی بر اقتصاد آزاد مطرح می‌کند و کشورهای آمریکا و اسرائیل نیز برای جلوگیری از بنیادگرایی اسلامی و مقابله با نفوذ ایران و روسیه در منطقه از موضع ترکیه پشتیبانی می‌کنند. همچنین ترکیه در صدد است که در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، تجاری و حتی نظامی جایگزین روسیه شود، اما روسیه ضمن مخالفت با این امر، از حضور ایران در منطقه برای مقابله با نفوذ ترکیه استقبال می‌کند.

در مجموع با وجود عوامل ناهم‌ساز در روابط ایران و روسیه، منافع و تهدیدات مشترک موجب شده است که این دو کشور سیاست‌های خود را در منطقه هم‌سو نمایند. همکاری ترکیه و اسرائیل و شکل‌گیری اتحاد میان این دو کشور باعث تقویت موضع آن‌ها در آسیای مرکزی و قفقاز شده و حضور و نفوذ ایران و روسیه را در این مناطق محدود کرده است، این امر در کنار سایر عوامل باعث شده است که همکاری‌های همه‌جانبه تهران و مسکو با وجود عوامل تضاد و واگرایی در روابط آن‌ها، گسترش یابد و به‌ویژه مناطق حایل میان آن‌ها بعد استراتژیک به خود بگیرد.

همچنین از آن‌جا که پس از استقلال جمهوری‌های جدید در آسیای مرکزی و قفقاز، آمریکا در صدد اعمال «استراتژی همه‌چیز بدون ایران» برآمد، ایران برای مقابله با این استراتژی به روسیه روی آورد و تصمیم گرفت از طریق نزدیکی به روسیه با یکجانبه‌گرایی آمریکا و سیاست‌های خصمانه آن کشور مقابله کند. البته گسترش روابط ایران و روسیه در کنار این پیامدهای مثبت، نتایج منفی نیز داشته است. روسیه از گسترش روابط خود با

ایران به‌عنوان برگه برنده‌ای استفاده می‌کند تا از کشورهای غربی و ایالات متحده کمک‌های مالی بیش‌تری را دریافت کند و در موارد متعددی از جمله در زمینه تعیین رژیم حقوقی دریای خزر، عملکرد روسیه در تضاد با منافع ملی جمهوری اسلامی ایران بوده است. در واقع روسیه نشان داده است که از نزدیکی به ایران برای رسیدن به اهداف خود در سطوح مختلف بهره‌برداری می‌کند و از رابطه با ایران به‌عنوان ابزاری برای کسب امتیازات بیش‌تر از غرب و به‌ویژه آمریکا سود می‌جوید. بنابراین برای کاهش وابستگی به روسیه و مقابله با استفاده ابزاری، جمهوری اسلامی ایران باید روابط و همکاری‌های خود را با دیگر قطب‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی جهان در ابعاد و سطوح مختلف گسترش دهد، ارتقای کیفی و کمی روابط ایران با اتحادیه اروپا و سایر اتحادیه‌های منطقه‌ای براساس ملاحظات خاص سیاست خارجی کشور و اولویت‌گذاری‌های آن آلترناتیو مناسبی برای مقابله با فرصت‌طلبی روسیه در این زمینه است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشت‌ها

۱. سیدرضا میرطاهر، «اتحاد استراتژیک ترکیه و اسرائیل»، *روزنامه اطلاعات*، (۲۹ بهمن ۱۳۸۰)، ص ۱۲.
۲. سیف‌علی حسنی، «تهدیدات ناشی از اتحاد استراتژیک ترکیه و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک*، دوره سوم، سال دوم، شماره ۷، (زمستان ۱۳۷۹)، ص ۳۳.
۳. رنه گروسه، *امپراتوری صحراگردان*، ترجمه عبدالحسین میکده، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب (۱۳۵۳)، صص ۷۳۳-۵۶۶.
۴. گراهام فولر، *قبله عالم: ژئوپلیتیک ایران*، ترجمه عباس مخبر، تهران، نشر مرکز، (۱۳۷۵)، ص ۱۶۱.
۵. جورج انزوسکی، *رقابت روسیه و غرب در ایران*، ترجمه اسماعیل رائین، تهران، انتشارات جاویدان، (۱۳۵۳)، صص ۱۹-۲۱.
۶. پیوکارلو تزنزیو، *رقابت روس و انگلیس در ایران و افغانستان*، ترجمه عباس آذین، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، (۱۳۵۹)، صص ۱۸۱-۱۸۲.
۷. جواد اطاعت، *ژئوپلیتیک و سیاست خارجی ایران*، تهران، نشر سفیر (۱۳۷۶)، صص ۶۷-۶۹.
۸. محمدرضا حافظ‌نیا، *خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز*، تهران، انتشارات سمت، (۱۳۷۱)، ص ۱۳۵.
۹. همایون الهی، *اهمیت استراتژیک ایران در جنگ جهانی دوم*، تهران، مرکز دانشگاهی، (۱۳۶۵)، ص ۲۲.
۱۰. فولر گراهام، *پیشین*، ص ۱۶۰.
11. Adam Tarock, "Iran and Russia in Strategic Alliance", *Third World Quarterly*, Vol. 18, No. 20, 1994, pp 207-223.
۱۲. رابرت فریدمن، «روابط ایران و روسیه در دهه ۹۰»، ترجمه داوود رضایی اسکندری، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال شانزدهم، شماره ۲، (تابستان ۱۳۸۱)، ص ۳۸۷.
13. Tarock, *op. cit*, p. 211.
۱۴. خلیل شیرغلامی، «بررسی امکان اتحاد استراتژیک بین ایران و روسیه»، *فصلنامه امنیت ملی*، سال اول، شماره ۳، (بهار ۱۳۷۹)، ص ۱۵۲.
۱۵. برای مطالعه بیش‌تر مراجعه شود به:

- Robert Freedman, "Russia and Iran: A Practical Alliance", *State Review*, Summer 1997, p. 103.
- Leszek Buzneski, "Russia and the West toward Renewed Geopolitical Rivalry?", *Survival*, Vol 34, No 3, Aug 1995, p 120.
۱۶. سیدحسین سیف‌زاده، «عرصه سیاست جهانی؛ ایران و روسیه و رابطه دو کشور»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، دوره سوم، سال هشتم، شماره ۲۵، (بهار ۱۳۷۸)، ص ۲۲.
۱۷. سیدرضا میرطاهر، پیشین.
18. Robert. J.Llbert, "The USA-Israeli Relation after 50 Year", *Israel Affairs*, Vol.5, No.7, Autumn 1998, pp 22-25.
19. Ofea Bengio and Gencer Ozcan, "Changing Relation Turkey Israel", *Journal of International Affairs*, Vol. v, No. 1, March-May 2000, pp. 138-139.
۲۰. سیدرضا میرطاهر، پیشین، (۳۰ دی ۱۳۸۰)، ص ۱۲.
۲۱. همان.
۲۲. همان.
۲۳. علی اصغر کاظمی، زنجیره تنزعی در سیاست و روابط بین‌الملل، تهران، نشر قومس، (۱۳۷۰)، ص ۱۶۷.
۲۴. سیف‌علی حسنی، پیشین، صص ۲۰-۲۱.
۲۵. همان، ص ۲۳.
26. Daniel Pipes, A "New Axis: the Emerging Turkish – Israeli Entente", *National Internet*, Winter 1998, P. 31.
27. Bulent Aras, "Turkish-Israeli-Iranian Relations: Impact on the Middle East". [www.mepc.org/journal/0006-aras.htm](http://www.mepc.org/journal/0006-aras.htm).
28. Ibid.
۲۹. سیف‌علی حسنی، پیشین، ص ۲۳.
۳۰. همان، صص ۳۲-۳۳.
31. Anar Veliews, "The Israel – Turkey – Azerbaijan Triangle: Present and Future", [www.ca-c.org/journal/eng02-2000/08.veliew.shtml](http://www.ca-c.org/journal/eng02-2000/08.veliew.shtml)
۳۲. جولیا نانی، «دیدگاه‌های امنیتی امریکا و مسأله انتقال انرژی از حوزه خزر» ترجمه وجیهه صادقیان، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال ششم، شماره ۲۱، (بهار ۱۳۷۷)، صص ۱۰۹-۱۱۵.

۳۳. قرنیکن گلوشنکو، «ابعاد سیاست امریکا در مورد کشورهای مستقل مشترک‌المنافع»، ترجمه پروین معظمی گودرزی، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، دوره سوم، سال هشتم، شماره ۲۵، (بهار ۱۳۷۸)، ص ۶۲.

34. Cornell, Erik, Turkey in the 21<sup>st</sup> Century, Curzon Press, 2001, p. 152.

35. Michael Eisenstadt, The Turkish – Israel Military Cooperation: An Assessment", *Policy Watch*, No 262, June 1997, pp. 25-26.

۳۶. محمدرضا ملکی، «روابط ترکیه و اسرائیل و آثار آن در آسیای مرکزی و قفقاز»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، دوره سوم، سال هفتم، شماره ۲۴، (زمستان ۱۳۷۷)، صص ۴۹-۵۱.

۳۷. بولنت ارس، «استراتژی اسرائیل در جمهوری آذربایجان و آسیای مرکزی»، ترجمه حمید احمدی، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال ششم، شماره ۴، (زمستان ۱۳۷۸)، صص ۶۵-۶۶.

۳۸. محمدرضا ملکی، پیشین، صص ۴۴-۴۵.

39. Laurent Ruseckas, "Turkey and Eurasia: Opportunities and Risks in the Caspian Pipeline Derby", *Journal of International Affairs*, Vol. 24, No. 1, September 1988, pp. 225-226.

۴۰. همان، صص ۴۹-۵۱.

## منابع و مأخذ

۱. انزوسکی، جورج. *رقابت روسیه و غرب در ایران*. ترجمه اسماعیل رائین، تهران، انتشارات جاویدان، (۱۳۵۳)، صص ۱۹-۲۱.
۲. اطاعت، جواد. *ژئوپلیتیک و سیاست خارجی ایران*. تهران، نشر سفیر، (۱۳۷۶)، صص ۶۷-۶۹.
۳. الهی، همایون. *اهمیت استراتژیک ایران در جنگ جهانی دوم*. تهران، مرکز دانشگاهی، (۱۳۶۵)، ص ۲۲.
۴. تزنویو، پیوکارلو. *رقابت روس و انگلیس در ایران و افغانستان*. ترجمه عباس آذین، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، (۱۳۵۹)، صص ۱۸۱-۱۸۲.
۵. حافظنیا، محمدرضا. *خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز*. تهران، انتشارات سمت، (۱۳۷۱)، ص ۱۳۵.
۶. حسنی، سیف‌علی. «تهدیدات ناشی از اتحاد استراتژیک ترکیه و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک*. دوره سوم، سال دوم، شماره ۷، (زمستان ۱۳۷۹)، صص ۲۰-۳۳.
۷. ارس، بولنت. «استراتژی اسرائیل در جمهوری آذربایجان و آسیای مرکزی»، ترجمه حمید احمدی، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، سال ششم، شماره ۴، (زمستان ۱۳۷۸)، صص ۶۵-۶۶.
۸. سیف‌زاده، سیدحسین. «عرصه سیاست جهانی؛ ایران و روسیه و رابطه دو کشور»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، دوره سوم، سال هشتم، شماره ۲۵، (بهار ۱۳۷۸)، ص ۲۲.
۹. شیرغلامی، خلیل. «بررسی امکان اتحاد استراتژیک بین ایران و روسیه»، *فصلنامه امنیت ملی*، سال اول، شماره ۳، (بهار ۱۳۷۹)، ص ۱۵۲.
۱۰. فریدمن، رابرت. «روابط ایران و روسیه در دهه ۹۰»، ترجمه داوود رضایی اسکندری، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال شانزدهم، شماره ۲، (تابستان ۱۳۸۱)، ص ۳۸۷.
۱۱. فولر، گراهام. *قبله عالم: ژئوپلیتیک ایران*، ترجمه عباس مخبر، تهران، نشر مرکز، (۱۳۷۵)، ص ۱۶۱.
۱۲. گروسه، رنه. *امپراتوری صحراگردان*، ترجمه عبدالحسین میکده، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، (۱۳۵۳)، صص ۷۳۳-۵۶۶.
۱۳. کاظمی، علی‌اصغر. *زنجیره تنازعی در سیاست و روابط بین‌الملل*، تهران، نشر قومس، (۱۳۷۰)، ص ۱۶۷.

۱۴. گلوشنکو، قرنیکن. «ابعاد سیاست امریکا در مورد کشورهای مستقل مشترک‌المنافع»، ترجمه پروین معظمی گودرزی، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، دوره سوم، سال هشتم، شماره ۲۵، (بهار ۱۳۷۸)، ص ۶۲.
۱۵. ملکی، محمدرضا. «روابط ترکیه و اسرائیل و آثار آن در آسیای مرکزی و قفقاز»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، دوره سوم، سال هفتم، شماره ۲۴، (زمستان ۱۳۷۷)، صص ۵۱-۴۹.
۱۶. میرطاهر، سیدرضا. «اتحاد استراتژیک ترکیه و اسرائیل»، *روزنامه اطلاعات*، (۲۹ بهمن ۱۳۸۰)، ص ۱۲.
۱۷. نانی، جولیا. «دیدگاه‌های امنیتی امریکا و مسأله انتقال انرژی از حوزه خزر»، ترجمه وجیهه صادقیان، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال ششم، شماره ۲۱، (بهار ۱۳۷۷)، صص ۱۰۹-۱۱۵.
18. Bengio Ofea and Gencer Ozcan, "Changing Relation Turkey Israel", *Journal of International Affairs*, Vol. v, No. 1, March – May 2000, 138-139.
19. Bulent Aras, "Turkish-Israel-Iranian Relations: Impact on the Middle East". [www.mep.org/journal/0006.aras.htm](http://www.mep.org/journal/0006.aras.htm).
20. Buzneski Leszek, "Russia and the West toward Renewed Geopolitical Rivalry?", *Survival*, Vol. 34, No. 3, Aug 1995, p. 120.
21. Cornell, Erik, *Turkey in the 21<sup>st</sup> Century*, Curzon Press, 2001, p. 152.
22. Tarock Adam, "Iran and Russia in Strategic Alliance", *Third World Quarterly*, Vol. 18, No. 20, 1994, pp 207-223.
23. Eisenstadt Michael, "The Turkish – Israel Military Cooperation; An Assessment", *Policy Watch*, No. 262, June 1997, pp. 25-26.
24. Freedman Robert, "Russia and Iran: A Practical Alliance", *State Review*, Summer 1997, p. 103.
25. Libert Rober. J., "The USA – Israeli Relation after 50 Year", *Israel Affairs*, Vol. 5, No. 7, Autumn 1998, pp. 22-25.
26. Pipes Daniel, A., "New Axis; The Emerging Turkish – Israel Entente", *National Internet*, Winter 1998, p. 31.
27. Ruseckas Laurent, "Turkey and Eurasia: Opportunities and Risks in the Caspian Pipeline Derby", *Journal of International Affairs*, Vol. 24, No. 1, September 1998., pp. 225-226
28. Veliew Anar, "The Israel–Turkey–Azerbaijan Triangle: Present and Future". [www.ca-c.org/journal/eng02-2000/08.veliew.shtml](http://www.ca-c.org/journal/eng02-2000/08.veliew.shtml).